

واکنش‌های اسرائیل به ایران هسته‌ای

نویسنده: آلن بن مایر*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۳

ترجمه: محسن کرمی ناوه‌کش**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۲۱

چکیده

آلن بن مایر در مقاله حاضر می‌خواهد به این پرسش بپردازد که گزینه‌های پیش‌روی اسرائیل بر مهار ایران هسته‌ای کدامند. او با تحلیل نگرش‌های داخلی اسرائیلی‌ها نسبت به پیشرفت هسته‌ای ایران و نیز با توضیح سیاست‌های جهانی در خصوص پرونده ایران، به این جمع‌بندی می‌رسد که اولاً اسرائیل، همواره در پی همراهی امریکا برای اقدام علیه ایران باشد؛ دوماً هسته‌ای شدن ایران خط قرمز اسرائیل است. نویسنده در خصوص روابط ایران با سیاست‌های تجاوزکارانه اسرائیل و هم‌سویی ایران با حزب‌الله و حماس مطالب قابل تاملی بیان می‌دارد، اما برای درک برداشت‌ها و رویکردهای مقامات رژیم صهیونیستی اسرائیل، عین ترجمه مقاله مزبور را در پی می‌خوانید.

واژگان کلیدی: ایران هسته‌ای، اجماع‌سازی، ضربه اول، سپر موشکی، مذاکرات هسته‌ای

Source: International Journal on World Peace, Vol. 28. No. 1, March 2010.

* متخصص مسایل خاورمیانه در دانشگاه نیویورک و مشاور دولت اسرائیل در مذاکره با اعراب

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه خوارزمی

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیلی‌شناسی، سال سیزدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۷۷-۱۵۹.

آلن بن مایر، از متخصصین امور خاورمیانه به‌شمار می‌رود که به‌طور مستقیم در مذاکرات شرکت داشته است. او یکی از اعضای ارشد مرکز امور جهانی در دانشگاه نیویورک بوده و در زمینه‌هایی چون مسایل خاورمیانه و مذاکرات بین‌المللی تدریس می‌کند. از او مقالات زیادی در روزنامه‌ها، مجلات و سایت‌های اینترنتی مانند میدل ایست تایمز، لوموند، ویک، فصلنامه سیاسی، اورشلیم پست، گلف تایمز، پنینسولا و هافینگتن پست چاپ شده است. او بارها در تلویزیون و رادیو ظاهر شده و به شخصیت برجسته‌ای در سی.ان.ان، فاکس، پی.بی.اس، الجزیره بخش (فارسی و عربی) و ان.پی.آر تبدیل شده است. دکتر بن مایر دارای مدرک کارشناسی ارشد فلسفه و دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه آکسفورد می‌باشد.

این مقاله عکس‌العمل‌های احتمالی که اسرائیل ممکن است نسبت به برنامه هسته‌ای ایران از خود نشان دهد را بررسی می‌کند. اسرائیل که در خاورمیانه در محاصره کشورهای دشمن خود قرار داشته، از توانمندی نظامی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است؛ چنانچه قبلاً نیز به استفاده از آن تمایل نشان داده است. در این زمینه بررسی‌های زیادی به عمل آمده است. پس از بررسی فضای فکری اسرائیلی و نقش‌های محتمل اتحادیه اروپا، روسیه و ایالات متحده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که آمریکا نقشی محوری در تصمیم‌گیری اسرائیل در کاربرد زور علیه ایران دارد. در بخش نتیجه‌گیری پیشنهادهای در مورد رویکرد دولت اوباما نسبت به ایران و اسرائیل شده است. این پیشنهادات شامل کاهش تهدیدات ایالات متحده علیه دولت ایران و اجازه فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای البته با انجام تدابیر امنیتی تولید این سوخت است، به گونه‌ای که در مسیر گسترش سلاح‌های هسته‌ای قرار نگیرد.

مطالب زیادی در این خصوص که اسرائیل تا چه حد از خود در قبال برنامه هسته‌ای ایران واکنش موثری نشان می‌دهد یا اینکه از آن به‌عنوان یک تهدید علیه موجودیت خود یاد می‌کند، نوشته شده است. اغلب اسرائیلی‌ها بر این باورند که ایران مصمم به دستیابی سلاح هسته‌ای بوده و نگاه مثبتی به چشم‌انداز راه حل دیپلماتیک ندارند. بحث‌های عمومی بسیار اندکی در اسرائیل درباره معقولیت برنامه هسته‌ای ایران مطرح شده که روال کار در این مورد به کابینه (شورای) دفاع و گروه کوچکی در سازمان اطلاعات سپرده شده است.

در این راستا آنچه مورد بی‌توجهی عموم قرار گرفته، تجزیه و تحلیل شرایطی است که در آن یک حمله ممکن است رخ دهد و اینکه اسرائیل تا چه اندازه قبل از مبادرت به عمل یک‌جانبه‌گرایانه به ایالات متحده مدیون باقی می‌ماند. اسرائیل با توجه به روابط ویژه‌ای که با ایالات متحده دارد، مجبور به کنار آمدن با تلاش‌های دولت اوباما به منظور دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک است. اسرائیل همچنین از هر تحریم فلج‌کننده علیه ایران در صورتی که مذاکرات به نتیجه نرسد حمایت می‌کند، اما در نهایت مصمم است تهدید هسته‌ای ایران را در هر مرحله‌ای خنثی نماید. بنابراین، به هر اندازه که ایرانیان ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم با غلظت بالا را افزایش دهند، احتمال حمله اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران بیشتر می‌شود.

برای فهم تفکر راهبردی اسرائیل ضروری است نگاهی به رویکرد ملی آن، مناقشات داخلی و بافت بین‌المللی که در آن یک حمله می‌تواند علیه ایران رخ دهد، بیندازیم. به‌علاوه بسیار حایز اهمیت است که محوریت موضع آمریکا، رهنامه نظامی، توانمندی‌های نظامی و عزم ملی اسرائیل را برای خنثی کردن برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای ایران مورد بررسی قرار دهیم. از آنجا که دغدغه‌های امنیت ملی اسرائیل با محاسبات منطقه‌ای و راهبردی آمریکا تلاقی یافته، نیاز به تعامل کامل با ایالات متحده و پیشنهادهای دولت اوباما با ایران برای کاستن از جنگ اجتناب‌ناپذیر است. نهایتاً با وجود اینکه بسیاری از اسرائیلی‌ها واکنش ایرانیان را می‌سنجند، تلاویو مصمم است گزینه نظامی را به‌رغم عواقب نامعلومی که یک چنین حمله‌ای ممکن است به‌بار آورد، روی میز داشته باشد.

۱. رویکرد ملی اسرائیل

بدون فهم گرایش‌های روان‌شناختی ملی اسرائیل و آنچه این نگاه را تقویت می‌کند، هیچ بحثی در ارتباط با طرح عمل اسرائیل درباره برنامه هسته‌ای ایران کامل نیست. بیش از ۶۰ سال استقلال در سایه قدرت بی‌همتای نظامی، احساس ناامنی در میان اسرائیلی‌ها را کاهش نداده به‌گونه‌ای که موضوع نابودی در نگاه اسرائیلی‌ها همچنان زنده باقی مانده است. بسیاری از گروه‌های اسلامی از جمله حماس، حزب الله و جهاد اسلامی بارها و آشکارا تمایل خود را به

نابودی اسرائیل و حاکمیت کشورهای اسلامی در سرزمین‌های خود از مراکش گرفته تا آسیای جنوب شرقی ابراز داشته‌اند.

این استدلال اسرائیل که ایران تهدیدی دایمی علیه آن به‌شمار می‌رود، اغراق‌آمیز بوده و بسیاری از اسرائیلی‌ها آن را به‌عنوان یک رفتار ریاکارانه نادیده می‌گیرند. بعضی از اسرائیلی‌ها بر این باورند که نادیده گرفتن تهدید ایران به ضرر آنهاست. از دید اینان ایران مستقیماً و بارها موجودیت اسرائیل را مورد تهدید قرار داده و دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم تهدیدات ایران صرفاً مصرف داخلی دارد یا لفاظی است. ایران آشکارا به حمایت‌های تسلیحاتی و مالی خود از گروهایی مانند حزب الله و حماس که کمر به نابودی اسرائیل بسته‌اند، ادامه می‌دهد. هیچ کشوری نیست که با متانت یک چنین تهدیدی را از جانب کشور دیگری که در پی دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است، تحمل کند. در واقع ترس از امنیت ملی در سیاست‌های اسرائیل نه تنها در ارتباط با ایران، بلکه در سایر دغدغه‌های امنیت ملی همچون منازعه عربی-اسرائیلی منعکس شده است.

رهنامه دفاعی اسرائیل بر این فرض استوار است که هیچ دشمنی نباید توانایی تهدید موجودیت اسرائیل را بدون (تحمل) مجازات داشته باشد و همه نوع اقدامات برای خنثی کردن چنین تهدیداتی باید از سوی تلاویو انجام شود. به همین دلیل هیچ اعتقادی در اسرائیل به این عقیده رایج در میان متفکران آمریکایی مانند مشاوران سابق امنیت ملی از جمله، زیگنیو برژینسکی و برنت اسکو کرافت که معتقدند زرادخانه‌های هسته‌ای اسرائیل می‌تواند یک بازدارندگی هسته‌ای برای این کشور ایجاد کند، وجود ندارد. اسرائیل این ایده را رد می‌کند که ایران از رهنامه بازدارندگی تبعیت می‌کند؛ رهنامه‌ای که در آن دو قدرت هسته‌ای به همدیگر حمله نمی‌کنند مگر اینکه هر دوی آنها مطمئن باشند با چنین حرکتی از عواقب نامعلوم آن در امان می‌مانند. از آنجا که ایرانیان صرف نظر از توانمندی ضربه دوم اسرائیل، به معیار بازدارندگی غرب اعتقادی ندارند، گرایش فرهنگی - مذهبی ایران چنین تهدیداتی را غیرواقعی جلوه می‌دهد.

۲. مناقشات داخلی

نگاه اغلب دستگاه‌های سیاسی، امنیتی و آکادمیک اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران و بحث‌های بین‌المللی که حول آن در جریان است، از رویکرد منحصر به فردی نشأت می‌گیرد؛ البته برخی دیگر نیز درباره نوع اقداماتی که باید انجام شوند و نیز میزان واکنشی که اسرائیل باید از خود نشان دهد، اختلاف نظر دارند.

در میان این گروه‌ها در خصوص چهار موضوع زیر توافقی کلی وجود دارد:

اولین نکته اینکه، ایران مصمم به حفظ برنامه هسته‌ای با قابلیت‌های غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود با هدف توسعه سلاح‌های هسته‌ای است؛

دوم اینکه، ایران به دنبال تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای بوده، و به اسرائیل به‌عنوان یک مانع مهم برای دستیابی به این هدف بلندپروازانه نگاه می‌کند؛

سوم، پافشاری ایران برحق خود - بنابر مفاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) - در پیگیری برنامه هسته‌ای ظاهراً با اهداف صلح‌آمیز، منجر به تمرکز اسرائیل به زرادخانه‌های هسته‌ای خود می‌شود. این امر باعث طرح موضوع خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای بدون اسرائیل شده و می‌تواند یک صلح جامع و فراگیری را با کشورهای عرب و ملل مسلمان به‌وجود آورد. به‌علاوه توافق کلی وجود دارد که ایران هسته‌ای قدرت هسته‌ای اسرائیل را خنثی کرده و این کشور را برای تضعیف منافع منطقه‌ای اسرائیل جسورتر خواهد کرد؛

چهارم، ایران به‌عنوان یک کشور هسته‌ای نفوذ بیشتری بر کشورهای ضعیف‌تر عرب منطقه خواهد داشت. در حال حاضر بسیاری از کشورهای عرب از موضع اسرائیل برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای حمایت پنهانی به عمل می‌آورند. زمانی که تهران قابلیت هسته‌ای خود را تقویت می‌کند، بسیاری از کشورهای عرب به‌ویژه برخی همسایگان مجاور ایران در خلیج (فارس) مجبور به اتحاد با ایران صرف نظر از نیاز راهبردی خود خواهند بود.

دستیابی به اجماع در موارد ذکر شده مناقشات رایج در میان اسرائیلی‌ها را درباره برنامه هسته‌ای ایران به حداقل میزان ممکن کاهش می‌دهد. به‌رغم وجود اختلافات جزئی در میان احزاب سیاسی اسرائیل، مقامات این کشور به‌طور کلی به رهبری سیاسی و ابزارهای امنیتی برای

مقابله با این مشکل به شیوه موثر اطمینان ندارند. با این وجود، گمانه‌زنی‌های بسیار اندکی درباره روش جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد.

رژیم اسرائیل بحث‌های منظمی درباره سیاست‌های مربوط به ایران نداشته است و چنین بحث‌هایی بیشتر مربوط به نخبگان اطلاعاتی و کابینه دفاعی می‌باشد که متشکل از چند وزیر با تخصص‌های ویژه در حوزه امنیت ملی است. اعضای حزب‌ها دغدغه بسیار کمی برای انجام شور و مشورت درباره مسایل امنیت ملی در بالاترین سطوح مانند تهدید امنیت از جانب ایران دارند. این ارزیابی‌ها به لحاظ سیاسی معتبر نبوده و اعتماد فوق العاده جامعه را جلب نمی‌کند. رژیم راست‌گرایی چون رژیم فعلی به نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو ممکن است در مورد تهدید ایران جار و جنجال به پا نماید، اما سیاست خود را بدون پشتیبانی صریح تشکیلات دفاعی عملی نمی‌سازد و یا در آن تغییراتی ایجاد نمی‌کند.

در این رابطه یک اتفاق نظر کلی در میان بخش‌های اطلاعاتی، امنیتی و آکادمیک اسرائیل وجود دارد که این رژیم در مقطع کنونی چاره‌ای ندارد جز اینکه راهبردش را با راهبرد ایالات متحده نسبت به ایران یکی نماید. اسرائیل به این نتیجه رسیده است که با توجه به روابط ویژه‌اش با ایالات متحده و حمایت آمریکا از آن باید در پی گزینه نظامی علیه ایران باشد و یک جبهه منسجمی را با متحدان آمریکایی‌اش ایجاد نماید. با توجه به درگیری کامل آمریکایی‌ها در عراق و افغانستان، غربی‌ها به‌طور کلی نگران یک جنگ منطقه‌ای جدید با یک کشور مسلمان و قوی مانند ایران هستند که در صورت مورد حمله قرار گرفتن حتی توسط اسرائیل به تنهایی علیه منافع ملی آمریکا عمل خواهد کرد. ایالات متحده نیز تا زمانی که گزینه‌های دیپلماتیک به نتیجه نرسد، نسبت به انجام چنین عملی رغبت نخواهد داشت.

اسرائیلی‌ها می‌دانند که حمله به ایران آن هم به‌طور یک‌جانبه اقدامی جنون‌آمیز است، حتی اگر این عمل آخرین راه چاره باشد؛ چراکه عواقب فاجعه‌بار منطقه‌ای خواهد داشت و می‌تواند به‌طور بالقوه تلاش‌های ایران را در راستای ضربه زدن به پیمان جامع صلح فلسطینی - اسرائیلی برانگیزد. گرچه ارزیابی‌های جدید اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل نشان می‌دهد که ایران قبلاً به فناوری تولید سلاح‌های هسته‌ای در دو سال گذشته نائل آمده است، همه گزینه‌ها در مورد این

کشور روی میز است. ایالات متحده و اروپای غربی هنوز هم می‌توانند تحریم‌های سخت‌تری را اعمال کنند و این تحریم‌ها زمانی بیشترین تاثیر را می‌گذارد که مذاکرات مثمرتر واقع نشوند. اقلیت کوچکی در اسرائیل به رهبری متفکر و تحلیلگر وزارت دفاع این کشور، رئوبن براتزور وجود دارد که معتقد است اسرائیل باید با ایران هسته‌ای کنار بیاید. او مدعی است که اسرائیل باید ابهام در برنامه هسته‌ای‌اش را کنار گذارده و توانمندی‌های هسته‌ای خود را آشکارا اعلام نماید تا به‌طور جدی به ایران درباره عواقب وحشتناک مورد چالش قرار دادن موجودیت این رژیم هشدار دهد. این گروه معتقدند که ایران اغلب از اسرائیل به‌عنوان یک طرفند سهل‌الوصول در مواقعی که رهبری این کشور درگیر تنش‌های داخلی و نیز منطقه‌ای است، استفاده می‌کند. شرایط متلون در افغانستان، پاکستان و عراق، ایران را در معرض تهدید بی‌ثبات‌سازی قرار می‌دهد و در نتیجه این کشور را به جستجوی سلاح‌های دفاعی آن هم نه لزوماً به هدف تهدید اسرائیل تشویق می‌کند. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که چنین اشخاصی که سیاست رسمی اسرائیل را نسبت به ایران مورد چالش قرار می‌دهند، هیچ گرایش سیاسی خاصی نداشته و قطعاً علایق سیاسی حزب خاصی را پوشش نمی‌دهند.

در واقع احزاب اسرائیلی متعلق به تمام طیف‌های سیاسی از حزب مرتز تا حزب افراطی لیکود و حزب دست راستی باتینیو به این استدلال‌ها توجهی ندارند. با این وجود حتی جنگ‌طلبان اسرائیل نیز به میزان بسیار اندکی موافقند قبل از اینکه اسرائیل فکر حمله به خود راه دهد، رضایت ضمنی آمریکایی‌ها حتی بعد از درگیر شدن در آن ضروری است. در حال حاضر دولت اوباما با ایران و کشورهای ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، انگلستان، فرانسه به همراه آلمان) وارد مذاکره مستقیم شده است. از اسرائیل نیز انتظار می‌رود فرصت‌هایی برای مذاکره و دیپلماسی قائل شود.

۳. بافت بین‌المللی

از زمانی که در سال ۲۰۰۲ شایعه شد ایران در ۱۸ سال گذشته به دنبال برنامه‌های هسته‌ای مخفی بوده است، مقامات اسرائیلی تمام تلاش‌های خود را به کار گرفته‌اند تا برنامه هسته‌ای ایران

را نه به‌عنوان مشکل معطوف به اسرائیل، بلکه به‌عنوان یک چالش بین‌المللی جلوه دهند. اسرائیل از اقداماتی که اروپایی‌ها برای مذاکره با ایران در طول دوران ریاست جمهوری بوش انجام داده بودند، اظهار نارضایتی می‌کرد. ایرانی‌ها با وجود پیشرفت‌های قابل ملاحظه در برنامه‌های غنی‌سازی خود، هر بار در مقابل طرف اروپایی همچون خاویر سولانا مهارت‌های گسترده و خلاقیت‌های دیپلماتیک نشان می‌دادند. اروپایی‌ها عزم ایرانیان را در تداوم برنامه هسته‌ای در خاک خود و اعتباری که آنها امیدوار به کسب آن بودند، نادیده می‌گرفتند. به همین دلیل، مقامات اتحادیه اروپا تلاش خود را برای ترغیب ایران برای انصراف از برنامه غنی‌سازی با یک بسته اقتصادی ادامه دادند، اما در جلب توجه تهران با شکست مواجه شدند. در واقع اسرائیلی‌ها با علم به اینکه تحریم‌ها علیه ایران بدون حمایت کامل اروپایی‌ها موثر نخواهد بود، از افزایش تجارت کشورهای اروپایی با ایران از سال ۲۰۰۳ نگران بودند. در سال ۲۰۰۸، آمارهای تجاری به رقم تکان‌دهنده ۲۵ میلیارد یورو رسید که حاکی از استحکام جایگاه اتحادیه اروپا به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران بود. در اگوست ۲۰۰۹، بنیامین نتانیاهو به‌منظور مطرح کردن بحث اسرائیل به همراه چند تن از افسران اطلاعاتی که حامل اطلاعات محرمانه درباره پیشرفت چشمگیر ایرانی‌ها و توانایی این کشور در ساخت سلاح‌های هسته‌ای بودند، وارد اروپا شدند.

نگاه اروپا نسبت به ایران از زمان کشف کارخانه سری غنی‌سازی هسته‌ای نزدیک شهر مقدس قم چرخش تندی به خود دید. اروپایی‌ها در حال حاضر مصمم هستند اقداماتی درباره نقض مکرر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل بر ضد ایران انجام دهند. نیکلای سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق فرانسه، در سخنرانی ماه سپتامبر موضع سایر ملل پیشرو اروپا را این‌طور اعلام کرد: «من دست دراز شده از جانب آمریکا را می‌فشارم، اما پیشنهادهای آرایه شده برای مذاکره چه نتیجه‌ای برای جامعه بین‌الملل داشته است؟ چیزی جز غنی‌سازی بیشتر اورانیوم و سانتریفیوژهای نسل جدیدتر. آخرین و حداقل نتیجه‌ای که جامعه بین‌الملل بدان رسیده است، این است که رهبران ایرانی خواهان حذف یکی از اعضای سازمان ملل از نقشه هستند. ما باید چه کنیم؟ چه نتیجه‌ای را باید برای خود متصور شویم؟ در حال حاضر اسناد غیرقابل انکاری ما را وادار به تصمیم‌گیری می‌کند که یک چنین مبالغه‌ای بدون تردید نگاه ملل اروپایی را درباره

تهدید رو به تزاید ایران تغییر خواهد داد، اما بیشتر اسرائیلی‌ها درباره اینکه رویکرد آنها نتایج اثربخشی به بار خواهد آورد یا نه، در تردید مانده‌اند.»

اسرائیلی‌ها به‌خصوص از روسیه به خاطر تداوم تجهیز ایران به فناوری هسته‌ای ناراضی هستند. روس‌ها از کاهش همکاری‌های خود با ایران به‌منظور تبعیت از الزامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای پاسخ به بسیاری از سؤال‌های مطروحه امتناع کرده‌اند. سیر این رخدادها زمانی شدت بیشتری به خود گرفت که اسرائیلی‌ها فهمیدند دانشمندان روسی در ساخت یک کلاهک هسته‌ای به ایران کمک می‌کنند. اسرائیل همچنین درباره قرارداد امضا شده روسیه برای فروش موشک‌های S-300 به ایران خیلی نگران بود؛ چراکه این قرارداد دامنه و دقت سیستم دفاعی موجود ایران را گسترش می‌داد. با این وجود، به‌نظر می‌رسد که در پی تاکیدات مقامات اسرائیلی و آمریکایی، مدوّدف قول داد درباره ارسال موشک‌های دفاع هوایی مزبور تجدیدنظر نماید و کرد.

روابط دوجانبه روسیه با ایران در چند ماه اخیر روند پیچیده‌ای را تجربه کرده است و این پیچیدگی‌ها فقط به خاطر ایجاد توازن در روابط با غرب علیه منافع راهبردی و مالی خود در ایران نیست. مذاکرات در حال انجام نشان می‌دهد دیمتری مدوّدف رغبت بیشتری به همکاری با غرب در مقایسه با اسلاف خود داشته است. با وجود اینکه وزیر خارجه روسیه، سرگئی لاوروف اخیراً در مقابل آخرین پیشنهاد تحریم‌های جدید موضع‌گیری کرده است، در اواخر سپتامبر آزمایش موشکی ایران را نگران‌کننده توصیف نمود. لاوروف همچنین افزود: «من متقاعد شده‌ام که محدودیت‌ها اجتناب‌ناپذیر است.» مدوّدف اظهارات او را در پی کشف نیروگاه قم با این عبارت تایید کرد که «تحریم‌ها گرچه به ندرت مثرثمر واقع می‌شوند، اما کاربرد آن در بعضی مواقع اجتناب‌ناپذیر است» اما روسیه به‌عنوان یکی از همسایگان ایران، بیش از هر قدرت دیگری اشتراک منافع بیشتری با ایران داشته و در چنین شرایطی نگرانی‌های زیادی درباره احتمال آشفستگی روابط دو کشور دارد. به همین دلیل روسیه علاقه‌مند به کاهش روابط مسالمت‌آمیز با ایران نبوده و ادامه این روابط به روسیه این امکان را می‌دهد که نفوذ بیشتری بر ایران داشته باشد. به‌علاوه، روسیه درصدد به‌وجود آوردن شرایطی است که در آن جاده روابط ایران و غرب از مسکو عبور کند.

در گذشته چین نیز همانند مسکو از تشدید تحریم‌ها علیه ایران حمایت به عمل نیاورده است. اما در چند سال اخیر موضع پکن از برخی گزارشات در قالب آخرین افشاگری‌ها درباره مجتمع سری و جدید غنی‌سازی ایران نشات می‌گیرد. چین یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران است و ۱۵ درصد واردات نفتی خود را از ایران دریافت می‌کند. چین به‌عنوان یکی از کشورهای صنعتی در حال ظهور، با پیشینه دیرینه‌اش در میان اعضای جامعه سازمان ملل حمایت بسیار کمی از حاکمیت ملت خود از طریق تحریم‌های تجاری کرده است. اما زمانی که اوپاما به‌طور مکرر بر گسترش روابط با چین تاکید می‌کرد، هوجین تائو، گام‌های موثری برای خاتمه برنامه‌های اشاعه هسته‌ای برداشته است.

این یک واقعیت است که ایالات متحده به‌ویژه در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات، علاقه‌مند به درگیری با ایران بوده و این امر منجر به امکان ایجاد حرکت جدیدی برای به‌وجود آوردن یک جبهه متحد علیه برنامه هسته‌ای خواهد شد. جامعه بین‌الملل کم و بیش از تلاش‌های اوپاما نسبت به تجدید دوباره فضای اطمینان در همکاری‌ها و نهادهای جهانی راضی است که بخشی از آن را می‌توان در تمایل مقامات ایالات متحده نسبت به همکاری با ایران یافت. جدیدترین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام می‌دارد ایران غنی‌سازی اورانیوم خود را متوقف نکرده و به‌طور کلی به پافشاری ایران بر موضع خود ادامه داده است. با این اوصاف اسرائیل تمام تلاش خود را برای متقاعد کردن اتحادیه اروپا و روسیه می‌کند که زندگی کردن با ایران هسته‌ای راه چاره نیست و آنها نباید چشم‌های خود را به تحولات منطقه‌ای و عواقب غیرقابل تصور آن ببندند.

اسرائیل همچنین به کشورهای عربی که تاثیر نامطلوبی از انگیزه‌های منطقه‌ای ایران گرفته‌اند متوسل شده است؛ گرچه کشورهای عرب به استثنای مصر، تاکنون از همکاری رسمی با اسرائیل اجتناب نموده‌اند. کشورهای عرب تولیدکننده نفت متذکر شده‌اند آنها می‌توانند با ارایه مشوق‌هایی به چین و روسیه، این دو کشور را متقاعد کنند که منافع بلندمدت آنها در همکاری با کشورهای عرب خلاصه می‌شود نه ایران. به‌ویژه می‌توان به پیشنهاد عربستان سعودی برای خرید میلیاردها دلار تسلیحات از روسیه، در صورت موافقت این کشور با عدم فروش سلاح‌ها و

موشک‌های پیشرفته به ایران، اشاره کرد. آبدل بریدر، سردبیر یکی از روزنامه‌های پان عربی، در نوشتار خود به این نتیجه رسیده است که با تحولات اخیر، رژیم‌های عربی و به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس خود را بخشی از ائتلاف جدید در کنار اسرائیل و در مقابل ایران خواهند یافت. یکی از تجار سعودی و دیپلمات سابق به‌نام عبدالعزیز ساغر که اخیراً رییس مرکز تحقیقات خلیج (فارس) شده است گفت: «همزیستی با ایران توام با یک تهدید محدود، بهتر از زندگی با یک بازدارنده هسته‌ای پایدار است. من الان موافق تمام شدن این وضعیت هستم تا با یک هژمون هسته‌ای در منطقه که ایران درصدد تحمیل خود بر آن است، زندگی کنم.» سایر سیاست‌گذاران بنام عرب، تحلیل‌های مختلفی در مورد اینکه غرب یا حتی اسرائیل به جای اجازه ظهور ایران هسته‌ای به این کشور حمله کنند، ارایه کرده‌اند. این اظهارات حاکی از تغییرات چشمگیر در مواضع و رویکردهای کشورهای عربی است، به‌طوری که قبلاً چنین نگاهی را نسبت به ایران نداشتند. به‌نظر می‌رسد علاقه آمریکایی‌ها به درگیری مستقیم با ایران، کشف کارخانه جدید غنی‌سازی هسته‌ای ایران در قم و افزایش نگرانی روسیه، کشورهای عرب و اعضای اتحادیه اروپا، سبب تغییر جریان‌های سیاسی بین‌المللی علیه ایران شده است.

۴. محوریت موقعیت آمریکا

گرچه مقامات سابق اسرائیل مانند ایهود اولمرت و تزیبی لیونی، وزیر وقت امور خارجه، به‌طور علنی بر محوریت موقعیت آمریکا تاکید نمی‌کردند، اما راهبرد بوش را در مورد برنامه هسته‌ای ایران نامعقول و غیرسازنده ارزیابی می‌کردند. آنها معتقد بودند دولت بوش با اجتناب از مذاکره مستقیم با ایران و ناتوانی در اعمال تحریم‌های منظم و منسجم بین‌المللی برای وادار ساختن ایران نسبت به تعلیق برنامه هسته‌ای، فرصت بسیار با ارزشی را از دست داد. از نظر اسرائیلی‌ها، آمادگی پرزیدنت اوباما به برخوردی مستقیم با ایران و نیز پیگیری یک راه حل دیپلماتیک - آن هم با ارزیابی‌های محتاطانه - تنها راه چاره است، به شرطی که انعطاف‌ناپذیر نبوده و راهبرد جایگزین باید در بردارنده تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده بوده و هم‌زمان این تحریم‌ها نباید باعث توقف و شکست مذاکرات شوند.

به نظر می‌رسد تلاش‌های نتانیاهو برای توسل به رویکرد تهاجمی‌تر آمریکا نسبت به ایران کم‌وبیش با موفقیت توأم بوده است. تفاهم بسیار خوبی میان اسرائیل و آمریکا در سازوکار مورد نظر برای بازداشتن ایران از پیگیری برنامه هسته‌ای‌اش و نیز ارتباط تنگاتنگی درباره موضوعات اطلاعاتی وجود دارد. به علاوه، شواهد حاکی از آن است که هر دو طرف موافق هستند تمام گزینه‌ها مانند حمله نظامی و بازبودن راه هر نوع مذاکره بر روی میز باقی بماند.

نگرانی‌های خاصی از جانب مقامات اسرائیلی وجود دارد که چه کسانی در موضع اوپاما نسبت به برنامه هسته‌ای تاثیر تعیین‌کننده‌ای دارند. افرادی هستند که احساس می‌کنند اوپاما طرحی مخفی در اختیار دارد که ممکن است به ضرر اسرائیل تمام شود. مهم‌ترین نگرانی این است که اوپاما خواهان یک خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای باشد و در نتیجه برنامه هسته‌ای اسرائیل را زیر سوال ببرد. چنین تحولی در تضاد با توافق‌نامه اسرائیلی-آمریکایی است که در سپتامبر ۱۹۶۹ بین نخست‌وزیر اسرائیل، گلدمایر، و پرزیدنت نیکسون امضا شد که در آن هر دو طرف متعهد شدند زرادخانه هسته‌ای اسرائیل را آشکار نکنند.

در چنین شرایطی ایران به خاطر هسته‌ای بودن اسرائیل، هسته‌ای می‌شود و می‌کوشد شکاف‌های جدی میان ایالات متحده و اسرائیل ایجاد کند. در بین مقامات اسرائیلی اشخاصی هستند که به طرح مطرح شده از جانب هیلاری کلینتون در ایجاد یک چتر حمایتی برای تمام متحدان خاورمیانه‌ای این کشور علیه خواسته‌های ایران اعتراض دارند. برخی از اسرائیلی‌ها همانند دن مردیور، وزیر امور امنیتی اسرائیل، معتقدند این طرح حاکی از پذیرش ضمنی ایران هسته‌ای بوده که در آن خواست اسرائیل به‌عنوان یک اصل نادیده گرفته می‌شود.

پرزیدنت اوپاما معتقد بود که طرح او باید جایگزین طرح جرج دبلیو بوش برای ایجاد سیستم دفاع موشکی می‌شد. او معتقد بود طرح مورد نظر وی حمایت‌های سریع‌تر، دقیق‌تر و هوشمندانه‌تری از نیروهای آمریکایی و متحدانش می‌کرد. طرح جدید، کشتی‌ها را به سیستم رهگیری SM-3 مجهز می‌کند که قابلیت این سیستم‌ها را می‌توان دفاع سریع و دقیق در مقابل هرگونه حمله احتمالی از جانب ایران در خاورمیانه دانست. این تغییر رویکرد از طرف دولت اقدامی برای نشان دادن تهدید فزاینده ایران و نیز برای تخفیف ترس از حمله و پیشگیری از

حرکت تدافعی محسوب می‌شود. رابرت گیتس در این مورد تصریح می‌کند: «ما امیدواریم این طرح به اسرائیل اطمینان بیشتری بدهد که فرصت زیادی برای دفاع از خود دارد.»

به‌رغم نگرانی‌های فوق، آمریکا متحد بلامنازع برای اسرائیل است. رژیم اسرائیل به‌هیچ‌عنوان حاضر نیست در بحث هسته‌ای ایران - به‌ویژه در این برهه از تاریخ - از آمریکا جدا شود. زمانی که اسرائیل و ایالات متحده درباره پرونده هسته‌ای ایران به توافق برسند، دو متحد به محض امضای یک موافقت‌نامه رویه‌های را برای ارتباط تنگاتنگ‌تر شکل می‌دهند. این همکاری آمریکایی - اسرائیلی با اطلاعات جدیدی که نشان می‌دهد ایران مواد کافی برای ایجاد جهش سریع اما خطرناک برای غنی‌سازی اورانیوم با درجه غنای بالا که به تایید اطلاعات اسرائیل رسیده است، انطباق دارد. با این وجود پیشرفت‌های هسته‌ای ایران اوپاما را در متقاعد کردن اسرائیل به قائل شدن فرصت بیشتری برای مذاکره و متعهد کردن این رژیم نسبت به وفادار ماندن به راهبرد آمریکا با مشکلات زیادی مواجه کرده است. در هر حال انتظار می‌رود اسرائیلی‌ها به افزایش فشار خود بر دولت ایالات متحده و اتحادیه اروپا ادامه دهند تا تحریم‌های سنگین‌تری آن‌هم به‌طور جدی علیه تهران تنظیم کنند؛ چون در اسرائیل اعتقاد کمتری وجود دارد که مذاکرات بین ایران و گروه ۵+۱ به یک توافق قابل قبول منجر شود. محوریت امریکا برای شکل دادن تفکر راهبردی همچنان تداوم خواهد داشت. با عنایت به موارد فوق، در شرایط بسیار استثنایی و ویژه است که اسرائیل می‌تواند به‌طور یک‌جانبه به ایران حمله کند.

۵. رهنامه هسته‌ای اسرائیل

راهبردهای هسته‌ای اسرائیل از اوایل دهه ۱۹۵۰ بر مبنای ابهام هسته‌ای قرار دارد که در آن تل‌آویو داشتن سلاح‌های هسته‌ای را نه تایید می‌کند و نه انکار. این رهنامه دستاوردی است که اسرائیلی‌ها از آن به‌عنوان یک نیاز راهبردی یاد می‌کنند. از یک سو سیاست ابهام هسته‌ای به گونه‌ای طراحی شده که کشورهای عرب را با چالش هسته‌ای نه تهدید کرده و نه به مقابله فرا می‌خواند؛ که به تبع آن این دولت‌ها را از فشار افکار عمومی در پیگیری برنامه‌های سلاح‌های هسته‌ای راحت می‌کند. از سوی دیگر، ابهام هسته‌ای این ترس را القاء می‌کند که اسرائیل دارای

توانمندی هسته‌ای با تحمیل خسارات غیرقابل جبران در مواقع به خطر افتادن موجودیت خود بوده است.

به‌علاوه، اسرائیل با حفظ ابهام هسته‌ای خود به بازرسی‌ها و نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ملزم نمی‌شود. اسرائیل بارها اعلام کرده تنها قدرتی نیست که در منطقه به تولید سلاح‌های هسته‌ای می‌پردازد؛ بدین معنا که فعالیت‌های هسته‌ای آن به معنای تهدید و یا صفا‌آرایی نظامی در مقابل سایر کشورهای منطقه نمی‌باشد، مگر اینکه موجودیت آن به خطر بیافتد. همچنین، اسرائیل تصمیم گرفته به دشمنان بالقوه خود اجازه گسترش توانایی‌های هسته‌ای را ندهد؛ چون این باعث تضعیف و یا خنثی‌سازی برتری نظامی اسرائیل می‌شود.

ابهام هسته‌ای اسرائیل سیاست بسیار کارآمدی برای تل‌آویو به مدت بیش از پنج دهه بوده است. کشورهای عربی سه بار تلاش کردند به سلاح هسته‌ای دست یابند:

- در سال ۱۹۸۱، زمانی که اسرائیل دریافت صدام حسین در آستانه دست‌یابی به تسلیحات هسته‌ای در راکتور ازی‌راک واقع در عراق بود، که این سایت هسته‌ای را به سرعت و با نیروهای هوایی خود بمباران کرد.

- در سپتامبر ۲۰۰۷ اسرائیل یک سایت مشکوک هسته‌ای دیگر را در سوریه که توسط کره شمالی ساخته شده بود، بمباران کرد، اسرائیل با این عکس‌العمل خود به روشنی اعلام کرد این رژیم نمی‌تواند با این ذهنیت که مخالفانش سلاح هسته‌ای در اختیار داشته باشند، زندگی کند.

- تحت فشار دیپلماسی اجباری آمریکا، قذافی، مرد قدرتمند لیبی در سال ۲۰۰۳، از برنامه‌های ساخت سلاح هسته‌ای دست برداشت، که اگر فشار آمریکا نبود اسرائیل آماده حمله نظامی به لیبی نیز بود.

این تاریخچه داده‌هایی را درباره عزم اسرائیل برای جلوگیری از ظهور ایران هسته‌ای به‌دست می‌دهد. به‌علاوه، توجه به این واقعیت که اسرائیل چیزی در حدود ۲۰۰ سال سلاح هسته‌ای که برخی کارشناسان نیز بدان اذعان کرده‌اند، در اختیار دارد، ابهام هسته‌ای این رژیم یا راهبرد بازدارندگی هسته‌ای آن را نسبت به ایران تغییر نمی‌دهد. اسرائیل علاقه‌ای به استفاده از تسلیحات هسته‌ای علیه دشمنان خود از جمله ایران ندارد. از دیدگاه مقامات اسرائیلی بازدارندگی

زمانی علیه ایران می‌تواند کارساز باشد که این رژیم با اعلام در اختیار داشتن زرادخانه‌های هسته‌ای سال‌ها پیش خود، دست از ابهام هسته‌ای برمی‌داشت و به تبع آن داشتن تسلیحات هسته‌ای توسط ایران را خنثی می‌کرد. اما مقامات ایرانی با توجه به دیدگاه‌های مذهبی و فرهنگی خود، رهنامه غربی، منطق بازدارندگی و مفهوم اطمینان از نابودی دوجانبه (MAD) را قبول ندارند. تصور اینکه تنها با یک حمله اتمی به اسرائیل بیش از نیمی از جمعیت این رژیم از بین می‌روند، تل‌آویو را به فکر تقویت توانایی‌های حمله متقابل خود می‌اندازد و همان‌طور که از اصل بازدارندگی متقابل بر می‌آید، این مساله غیرقابل فهمی برای وزارت دفاع اسرائیل می‌باشد. رییس‌جمهور ایران، محمود احمدی‌نژاد، چندین بار گفته است که می‌توان اسرائیل را تنها با یک ضربه از بین برد. اما اگر اسرائیل به دنبال طرح‌ریزی حمله متقابل علیه ایران باشد، اکثر غیرنظامی‌ها زنده می‌مانند و می‌توانند ایران را از نو بسازند.

۶ قابلیت‌های نظامی اسرائیل

به همان اندازه که بحث‌ها بر سر پیشرفت‌های هسته‌ای ایران تشدید می‌شود، مساله قدرت نظامی اسرائیل هم بیشتر به چشم می‌آید. اسرائیلی‌ها به دلایل غیرقابل انکاری راهبردهای نظامی و یا تسلیحاتی را که می‌توانند به‌طور بالقوه برای فرو نشاندن یک حمله مورد استفاده قرار گیرند، فاش نمی‌کنند. اما تحلیلگران دفاعی اسرائیل و مقامات ارشد تل‌آویو اظهار کرده‌اند که اسرائیل به‌طور جدی گزینه نظامی را در پیش گرفته است، اما با تعمق زیاد به خوبی به درگیری‌های گسترده‌ای که یک چنین حمله‌ای به وجود خواهد آورد، پی خواهند برد. اگر اسرائیل تصمیمی برای حمله علیه ایران بگیرد، به احتمال زیاد تمرکزش بر سه نقطه خاص معطوف خواهد بود: نطنز، جایی که بیشترین مقدار سانتریفیوژ ایران در آن قرار دارد؛ اراک، مکانی که راکتورهای آب سنگین ایران در آنجا ساخته می‌شوند؛ و بوشهر که راکتورهای برق هسته‌ای آب سبک ایران در آن مستقر هستند.

نیروی هوایی اسرائیل ثابت کرده که توانمندی‌های بالایی دارد؛ یعنی اینکه نیروی هوایی اسرائیل، دارای قابلیت سوخت‌گیری مجدد و همچنین موشک‌های هدایت شونده هوا به زمین با

دقت بالا می‌باشد و هواپیماهای اسرائیلی می‌توانند اهدافی را در فاصله ۱۵۰۰ مایل دریایی رهگیری نمایند. علاوه بر این، اسرائیل قادر به استفاده از بمب‌هایی نظیر «GBU-28» (نابودگر زیرزمینی) بوده که از آمریکا دریافت کرده است. این بمب‌ها برای اهداف عمقی و نابودی استحکامات زیرزمینی طراحی شده‌اند.

به نقل از منابع اسرائیلی، تل‌آویو بمب‌هایی در اختیار دارد که دارای کلاهک‌های کوچک هسته‌ای بوده و می‌توانند به اعماق نفوذ نموده و خرابی‌های عظیمی بدون به جا گذاشتن اثر زیاد رادیواکتیو به بار آورند. اسرائیل، علاوه بر نیروی هوایی پر قدرت خود، نیروی دریایی کوچک اما قدرتمندی دارد که دارای شش زیردریایی کلاس دولفین می‌باشد. گفته می‌شود سه مورد از این زیردریایی‌ها قابلیت حمل موشک‌های هسته‌ای را دارند. اسرائیل با ارسال این ناوها در جولای ۲۰۰۹ از طریق کانال سوئز، درصد اثبات این نکته بود که نه تنها دارای قدرت نظامی کافی برای مبارزه با ایران می‌باشد، بلکه در صورت بروز هرگونه جنگ احتمالی، دولت‌های عربی نظیر مصر تاحدودی متمایل به همکاری با اسرائیل خواهند بود. این ناوها و تسلیحات حامل آن به اسرائیل امکان حمله به ایران را از سمت جنوب می‌دهد، بدون اینکه حریم هوایی کشورهای عرب را نقض کند. اسرائیل به خوبی بدین نکته واقف است که برخلاف حمله‌های هوایی به عراق و سوریه که تمام امکانات هسته‌ای آنها را نابود کرد، حمله به کارخانه هسته‌ای ایران تمام تجهیزات آن را از بین نخواهد برد. این مکان‌ها در مناطق مختلفی پراکنده و بیشتر تاسیسات آنها در عمق بسیار زیادی از زمین ساخته شده‌اند و به گونه‌ای طراحی و تجهیز شده‌اند که در برابر سنگین‌ترین بمب باران‌ها مقاوم هستند. مقامات اسرائیلی از جمله ایهود باراک و نتانیاهو به حمله‌ای که فقط پیشرفت‌های هسته‌ای ایران را به تعویق بیندازد تا فضاهای سیاسی مناسب جدیدی ایجاد شود که ایران را از فرصت‌های هسته‌ایش باز دارد، دلخوش کرده‌اند. از آنجا که ایران تاکنون در پرتاب ماهواره (به فضا) موفق بوده و به فناوری ساخت موشک‌های با برد متوسط که توانایی هدف‌گیری اسرائیل را دارند دست یافته، نگرانی تل‌آویو از پیشرفت‌های رو به گسترش ایران بیشتر شده است. در مقابل، اسرائیل نیز اقداماتی را برای تقویت نیروی هوایی و دفاعی خود با قابلیت ردیابی موشک‌های ورودی با درجه بالایی از دقت انجام داده است.

۷. عزم ملی اسرائیل

منتفی دانستن احتمال حمله نظامی اسرائیل به ایران تنها زمانی ممکن خواهد بود که ایالات متحده تمامی اقدامات لازم را برای جلوگیری ایران از دستیابی به تسلیحات هسته‌ای انجام دهد. اما طبق شواهد موجود، تنها در شرایط بسیار خاص و ویژه است که در آن اسرائیل دست به اقدامات یک‌جانبه علیه ایران خواهد زد: نخست اینکه، اگر اسرائیل به این نتیجه برسد که مذاکرات بین ایران، ایالات متحده و جامعه جهانی با شکست روبه‌رو شده و ایران جسورانه به سمت شکوفایی هسته‌ای نزدیک شود؛ دوم اینکه، تحریم‌های سنگین و سایر اقدامات تحمیلی جامعه جهانی علیه ایران با شکست روبه‌رو شوند و ایران ضمن تهدید اسرائیل از برنامه هسته‌ای خود کوتاه نیاید؛ و سوم اینکه، سازمان اطلاعات اسرائیل به صراحت تایید کند تهران در آستانه دستیابی به فناوری هسته‌ای بوده و به تبع آن تهدید ایران به اسرائیل قریب‌الوقوع می‌شود و هیچ کشور دیگری مایل به انجام اقداماتی پیشگیرانه نیست. تحت چنین شرایطی است که اسرائیل به حمله یک‌جانبه بر ضد ایران علاقه‌مند خواهد بود؛ چرا که خطر ناشی از بی‌حرکی به‌رغم فاجعه‌هایی که به بار خواهد آورد، بیشتر از عواقب منطقه‌ای و جهانی ایران هسته‌ای است. برای به حداقل رساندن احتمال توسل به گزینه آخر، هم برای ایالات متحده آمریکا و هم برای اسرائیل بسیار مهم است راهبردی دنبال کنند که مورد تایید طرفین باشد تا از هرگونه خطر احتمالی پیش‌گیری نمایند. اما برای اینکه ایالات متحده بخواهد شانس خود را در ترغیب ایران به‌منظور توقف برنامه‌های هسته‌ای خود افزایش دهد، ضرورت دارد که دولت اوباما راهبردی را درپیش گیرد که تضمین‌های دولت ایران، اهداف ایالات متحده را بدون پایین آوردن شان و منزلت این کشور تامین کند. ایالات متحده برای نیل به این هدف باید شش رویکرد راهبردی را دنبال کند:

یک. از آنجا که اولویت جمهوری اسلامی ایران دستیابی به آرمان‌های انقلاب اسلامی با حضور رهبری قدرتمند آن است، اوباما باید عدم عناد خود را با حکومت حاکم در ایران اعلام کند و این موضوع نیز باید به‌طور مستقیم و یا به‌طور غیرمستقیم به همسایگان ایران منتقل شود که ایالات متحده به‌طور رسمی اذعان می‌کند ایران در حال حل و فصل برنامه هسته‌ای خود است.

دو. ایالات متحده باید به سرعت فصل تازه‌ای از مذاکرات را با ایران آغاز کند که در آن به نگرانی‌های مشترک اشاره شود و تمامی تلاش‌ها برای رفع این نگرانی‌ها صورت گیرد. برای مثال دارایی‌های مسدود شده ایران و دغدغه ایالات متحده از حمایت ایران از گروه‌های افراطی مسلمان مسایلی هستند که باید کاملاً به آنها رسیدگی شود.

سه. از آنجا که ایرانی‌ها عکس‌العمل خوشایندی نسبت به ارباب و تهدیدات عمومی نشان نمی‌دهند، ایالات متحده باید از تهدید آشکار ایران خودداری نماید. اواما باید از کانال‌های مخفی برای تهدید ایران استفاده کند.

چهار. اواما باید ایران را به ایجاد یک چارچوب اقتصادی - امنیتی تشویق کند تا مقامات این کشور را از تصور اینکه آمریکا به دنبال استثمار منابع ملی ایران و تضعیف امنیت ملی سرمایه‌های این کشور بوده است، برهاند. ایران آمریکا را بیش از هر قدرت دیگری مداخله‌گر می‌داند و تنها آمریکاست که می‌تواند این تفکر را از بین ببرد و به تهران اطمینان دهد که در پی بهبود روابط دوجانبه است.

پنج. از آنجا که ایران هیچ‌گاه نپذیرفته به دنبال تسلیحات هسته‌ای است اما متهم به داشتن پروژه‌های هسته‌ای در خاک خود می‌باشد، دولت اواما می‌تواند موافقت‌نامه‌ای به ایران پیشنهاد کند که به واسطه آن بتواند اورانیوم برای مقاصد صلح‌آمیز غنی‌سازی نماید و این غنی‌سازی تحت کنترل و نظارت دقیق جهانی قرار بگیرد. ایران باید انگیزه همکاری را داشته باشد، بدون اینکه بر ادعای خود مبنی بر اینکه فعالیت‌های هسته‌ای‌اش تنها برای مقاصد توسعه داخلی است، پایبند بماند. اسرائیل ممکن است با این امر مخالفت کند، اما نگرانی‌های آنها با وجود نظارت ایالات متحده و اروپا بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران و انجام اقدامات لازم در صورت تخلف ایران، می‌تواند کاهش یابد.

شش. آمریکا همچنین باید منافع منطقه‌ای ایران را نیز در نظر بگیرد، به خصوص در عراق و افغانستان. همان طور که قبلاً تهران با ایالات متحده بلافاصله پس از حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱ همکاری داشت، ایران در این زمینه تمایل زیادی به همکاری با ایالات متحده دارد. از آنجا که ایران کشوری غالباً شیعه نشین می‌باشد و از رشد رژیم‌های سنی افراطی همچون طالبان در مرزهای شرقی آن نگرانی‌های جدی دارد، علاقه‌مند به همکاری با ایالات متحده است.

تعمیل اسرائیل و تهدیدات برای حمله به ایران می‌تواند اهرم مفیدی باشد که توسط آن آمریکا بتواند نه تنها فشار بیشتری به ایران به‌منظور همراهی با نظام بین‌الملل بیاورد، بلکه جامعه جهانی را راضی کند که در صورت لزوم مجازات‌های سنگینی علیه ایران اعمال نمایند. ایران هر اندازه در تقاضای جامعه جهانی برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) تاخیر ایجاد نماید، سبب همکاری مشترک آمریکا، اروپا، روسیه، چین و جهان عرب خواهد شد. بسیاری از اسرائیلی‌ها معتقدند همکاری‌های ایالات متحده و اسرائیل که از سر نیاز ایجاد شده و بر پایه یک سنت دیرینه است، اکنون باید به‌عنوان عامل بازدارنده برای محدود کردن ایران استفاده شود.